

سبک بازی



تغییر بازی‌ها تغییر سبک زندگی کودکانمان را در پی دارد

ترو خشک کردن «پو» نوستالژی کودکان دهه هشتادی!

مهدی ارجمند
 خاطرات همیشه بخش مهمی از زندگی هر آدمی را تشکیل می‌دهد، خواه این خاطرات خوب باشد یا بد همیشه جزئی از زندگی افراد است. در این میان اما خاطرات خوب کودکی هیچ‌گاه از یاد آدم‌ها نمی‌رود و فرد هر وقت یاد دوران کودکی و بازی‌های جذاب و سرگرمی‌های مفرح خود می‌افتد قند توی دلش آب می‌شود و به جرئت می‌توان گفت هیچ کسی را نمی‌توان پیدا کرد که آرزوی بزرگشتن به دوران کودکی را نداشته باشد. همه ما دوست داریم حتی اگر شده به مدت

یک روز فقط یک روز نه اصلاً چند ساعت و حتی چند دقیقه به دوران کودکی خود بازگردیم و یک بار فقط یک بار دیگر خاطرات و بازی‌های نوستالژی‌های کودکی خود را تجربه کنیم. یادش بخیر بازی‌های زیبای دوران کودکی، خاطرات خوب و اتفاقات شیرینی که سبک زندگی آن روزها برای ما به از مغان می‌آورد. خانواده‌هایی بی‌آلایش، زندگی‌های دوست‌داشتنی و پدر و مادرهای زحمتکش، سادگی و صمیمی و خواهر و برادرهایی بهتر از هر فردی روی زمین و دوستانی که لنگه‌شان روی زمین پیدا نمی‌شد. اینها نعمت‌هایی بود

که بچه‌های دهه ۶۰ و ۵۰ داشتند و کلی هم با این نعمت‌های خدادادی خاطرات نوستالژیک دارند، حتی گاه‌خام پدر و بیخ و داد ماد هم الان می‌شود برای ما نوستالژی دوران کودکی. حالا بازی‌های خاطره‌انگیز، سریال‌های دوست‌داشتنی، کارتون‌های ماندگار، فیلم‌های سینمایی لذتبخش و از همه مهم‌تر وسایل اسباب‌بازی و لوازم‌التحریرهای قشنگ و دوست‌داشتنی همه و همه جزئی از خاطرات نوستالژیک کودکان دهه ۶۰ و ۵۰ است که شاید دیگر نمونه آن هرگز پیدا نمی‌شود. اما به راستی نوستالژی کودکان نوجوانان و جوانان امروزی چیست؟

بیگلی بیگلی، گالیور، میشا، بارباپا یا عوض میشه، بینویان، آن روز معلم دل‌سوز و دوست‌داشتنی را برای‌مان شیرین می‌کرد همین بازی‌های شیرین دوران کودکی بود. زنگ تفریح که می‌شد حیاط مدرسه را روی سرمان می‌گذاشتیم. زنگ‌های ورزش هم ما بودیم و توپ بیچاره‌ای که مدام لگد می‌خورد و از این طرف حیاط به آن طرف حیاط می‌رفت.

همین که زنگ آخر را می‌زدند دوباره کوچه و خیابان پر می‌شد از بچه‌های قد و نیم‌قد از دختر گرفته تا پسر، کیف و کتاب‌ها را از همان جلوی در تحویل یکی از اعضای خانواده می‌دادیم و می‌دویدیم توی کوچه تا غروب بازی می‌کردیم. تازه غروب که می‌شد یادمان می‌آمد که درس و مشق داریم و تازه آنجا بود که باز خاطرات نوستالژیک مشق نوشتن درس خواندن آغاز می‌شد. واقعاً یادش بخیر.

کوچه‌های سوت و کورا این روزها

آن روزها اما قضا به کلی تغییر کرده. وضعیت از این رو به این رو شده و شکل بازی کردن بچه‌ها به کلی تغییر یافته است. این روزها دیگر خبری از بچه‌های پر شر و شور توی کوچه و خیابان نیست. سکوت هیچ کوچه‌ای را این روزها صدای بازی کودکان نمی‌شکند. هیچ توییپ بچه‌های با شوش محکم یکی از بچه‌ها نمی‌شکند!

این روزها هیچ توییپ توی خانه همسایه بداخلاق نمی‌افتد تا چند دقیقه بعد با جاقویی در دست توپ پاره‌پاره را به ما تحویل دهد و تهدید کند اگر باز هم این اتفاق تکرار شود همین بلاراسر توپ بیچاره می‌آورد. نه این روزها حتی از عروسک‌بازی دختر خانم‌ها و درست کردن خانه با چادر نماز مادر در گوشه‌ای از کوچه خبری نیست. اصلاً بگذارید راحت‌تان کنم دیگر در بازی‌های کودکان امروز نه پای ضرب می‌بیند و نه زخمی به گوشه بدن یکی از بچه‌ها می‌افتد. دیگر این روزها هیچ وقت کودکانی را نمی‌بینی که یکی از دوستان مجروح و ضرب‌خورده خود را دوره کنند و به او بگویند که «بازی



اهمیت بازی با کودکان در سیربه حضرت محمد(ص)

رسول خدا همبازی حسن و حسین (ع)

می‌گفتند. پیامبر(ص) فرمود: حسن بچنبا! عرض کردم: ای رسول خدا بزرگ‌تر را علیه کوچک‌تر تشویق می‌کنی! پیامبر(ص) فرمود: جبرئیل می‌گوید: حسین بچنبا! و من می‌گویم حسن بچنبا! مردی به نام یعلی عامری از محضر رسول اکرم(ص) خارج شد تا به ضیافتی که دعوت شده بود، برود. ناگهان حسین(ع) را دید که با کودکان مشغول بازی است. طولی نکشید که رسول اکرم(ص) به همراه

تغییر بازی‌های نوستالژیک کودکی
 این روزها اما شرایط به کلی فرق کرده است. دلخوشی‌های بچه‌های امروز دیگر بازی لی‌لی، الکلنگ، گل کوچک، الک دولک و حتی خاله‌بازی و فامیل‌بازی نیست. این روزها تمام دنیای کودکان دهه هشتادی و تا حد زیادی کودکان دهه ۷۰ در یک تبلت یا یک کامپیوتر خلاصه شده است. با بازی‌هایی که به نظر حتی جنبه سرگرمی هم نداشته باشد و کودک بیچاره فقط و فقط از سر اجبار و برای اینکه وقت خود را بپوهود تلف نکند، این بازی‌ها را انجام می‌دهد.

کافی است نگاهی به بازی‌های کودکان دهه ۷۰ و ۸۰ داشته باشیم آن وقت بازی‌هایی را می‌بینیم که اصلاً جنبه تفریحی و سرگرم‌کننده بودن ندارند. در بازی‌هایی این روزهای کودکان نشانی از آماده شدن او برای زندگی آینده و فریاد سخت پیش رو نمی‌بینیم.

دیگر نه حتی از آتاری خبری است و نه از ساگو دستگام‌های دوست‌داشتنی قدیمی. سرگرمی این روزهای کودکان شده است بازی‌های رایانه‌ای یا تبلت، کامپیوتر، پلی‌استیشن و... واقعاً نمی‌دانم کودکان این دوره و زمانه فردا وقتی بزرگ شدند و خواستند برای هم از نوستالژی‌های دوران کودکی خود بگویند و خاطرات خوش دوران کودکی را برای هم تعریف کنند از چه حرف می‌زنند.

آیا از غذا دادن به پو صحبت می‌کنند یا بازی‌های خشن رایانه‌ای. فکرتش را بکینند غذا دادن به پو می‌شود نوستالژی بچه‌های فردا.

نوستالژی‌های کودکان دهه ۶۰

اما هم‌طور که گفتیم به طور حتم بازی‌های دوران کودکی کودکان دهه ۶۰ و ۵۰ شاید بهترین، شیرین‌ترین و ماندگارترین بازی‌هایی باشد که هر فردی می‌تواند تجربه کرده باشد.

از سریال‌های زیبای تلویزیونی مثل دنیای شیرین دریا و زری‌توی گولو گرفته تا قصه‌های مجید و مدرسه موش‌ها تا کارتون‌ها و انیمیشن‌های خاطره‌انگیز دوران کودکی مانند حنا دختری در مزرعه، فوتبالیست‌ها، ای کی یوسان، بل و سیاستین، خاله ریزه و قاشق سحرآمیز، گوریل انگوری و

یادش بخیر

هیچ وقت از بازی کردن سیر نمی‌شدیم. هیچ تفریحی بالاتر از بازی و جست‌وخیز در کوچه و خیابان نبود. فوتبالی گل کوچک پای ثابت همه بازی‌های ما بود در کنار سایر بازی‌های پرشور و هیجان‌دوران کودکی که هیچ وقت لذت و شیرینی این بازی‌ها را از یاد نخواهیم برد. فرقی هم نمی‌کرد تهران بودیم یا شهرستان. جنوب بودیم یا شمال، غرب بودیم یا شرقی نه هیچ فرقی نداشت

روایت

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: «هر کس کودکی داشته باشد باید با وی کودکانه رفتار کند.» پیامبر(ص) زبان خود را برای احسن و حسین(ع) بیرون می‌آورد و همین که چشم کودک به زبان پیامبر افتاد به طرف او می‌دوید. مردی به نام عیینه بن بدر فزاری (که شاهد این شیرین‌کاری پیامبر(ص) نسبت به حسین بن بود) از روی شگفتی گفت: به خدا سوگند! پسر مرد گشته و بر صورتش مو رسته، با این

نگاه

بیادست‌هایمان را رنگی کنیم

معمومه گنجی*

کودک عاشق بازی است. از تکان دادن اعضای بدن، تکرار یک حرکت، روی هم ریختن اشیا، خواباندن عروسک، جنگجو شدن، اسب تصور کردن یک چوب تا خود را به خواب زدن یا ایجاد مقررات نوبت و رعایت اصول بازی‌های قانسون دار، همگی انواع گوناگون بازی‌های لذتبخشی است که در رشد مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های اجتماعی و رشد عاطفی - شناختی و اخلاقی کودکان اثر دارد.

بازی و رشد کودک
 بسیاری از روانشناسان و بزرگان علم تعلیم و تربیت در مورد نقش بازی در کودکی و حتی بزرگسالی دیدگاه‌های مثبتی دارند و اثر آن را در رشد شناخت ذهنی کودک، رشد عواطف و مهارت‌های اجتماعی، رشد فیزیکی و روانی و از طرفی کاهش تنش‌ها و افزایش خلاقیت‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. شاید اشاره به فواید بازی از این دیدگاه نیز مهم باشد که بازی موجب رشد جسمی کودک شده و عضلات او را نیرومند و استخوان‌ها را استوار می‌کند، مهارت حواس لامسه و بینایی را افزایش می‌دهد، کنجکاوی را برمی‌انگیزد، تحمل دشواری‌ها را بالا می‌برد، برنامه‌ریزی و نقشه‌کشی برای رسیدن به هدف را به کودک می‌آموزد، موجب ایجاد رابطه و همکاری با دیگران شده و اصول انضباطی و اخلاقی را به کودک یاد می‌دهد و شناخت بهتر کودک از خود و دوستانش را پدید می‌آورد.

بازی درمانی
 سال‌هاست در مراکز روان‌پزشکی و اصلاح رفتار کودک، واحد باتاقی به نام بازی درمانی ایجاد شده تا از راه بازی با کودک به توانایی‌ها و ضعف‌های وی



اشکنک داره، سرشکستنتک داره». نه این روزها اصلاً از این خبرها نیست. در هیچ کوچه‌ای دیگر از این اتفاقات رخ نمی‌دهد. شکل بازی کردن بچه‌ها خیلی فرق کرده است، این روزها بچه‌های ام‌امی می‌بینید که تمام دلخوشی‌شان به تبلتی است که بزرگ‌ترها برای او تولدشان خریده‌اند و چنان در این دنیای مجازی غرق شده‌اند که انگار نه انگال که همین دیروز و پرروز این کوچه پر بود از بچه‌های پر شر و شور که کوچه را روی سرشان می‌گذاشتند.

این روزها بچه‌ها سرشان مدام توی گوشی و تبلت و غرق در بازی‌های دنیای مجازی هستند، از ماشین بازی گرفته تا موتورسواری در دنیای مجازی و غذا دادن به پو از هیجان و تحرک و نشاط بچه‌ها خبری نیست و جاقی و افسردگی و انواع بیماری‌ها آنان را تهدید می‌کند. حس ترحم خاصی به او دارند، برایش غذا درست می‌کنند، محاسن می‌کنند، لباسش را عوض می‌کنند و حتی اگر مریض باشد به او دارو می‌دهند. بین خودمان باشد وقتی هم که خراب‌کاری می‌کند سریع پوشک او را عوض می‌کنند. این شده است تمام دلخوشی بچه‌های دهه هشتادی ما! خیلی دلم می‌خواهد دوباره به کوچه‌ای با یگنارم که آن کوچه در تصرف بچه‌های بازیگوش باشد، کوچه‌ای که هیچ بزرگ‌تری حق اعتراض ندارد و کودکان با دنیایی از بازی‌های شاد خودشان در آن کوچه سالاری می‌کنند. اما مثل اینکه چاره‌ای نداریم تا وضعیت این روزهای کودکان و بازی‌های کسل‌کننده و راحت آنها را بیدریم. آن هم در حالی که روانشناسان، معلمان، کارشناسان تعلیم و تربیت، استادیات دانشگاه و خلاصه همه دلسوزان نسبت به تغییر شیوه بازی کودکان در این دهه هشاد می‌دهند و اعتقاد دارند این تغییر نوع بازی می‌تواند منجر به تغییر سبک زندگی و روی آوردن کودکان به سبک غلطی از زندگی باشد.

بازی‌تعمیر زندگی است
 به اعتقاد کارشناسان حوزه کودک، بازی‌های دوران کودکی در حقیقت تمرینی برای زندگی آینده و فرآیند رفتن کودکی در بزرگسالی است. هرچقدر سطح بازی‌های دوران کودکی بالاتر باشد و شکل و شیوه آن نزدیک‌تر به زندگی واقعی آدم‌ها، کودک در آینده بهتر می‌تواند مهارت‌های زندگی را فراگیرد. در این میان کاملاً مسلم است که بازی‌های دنیای مجازی هیچ‌گاه نمی‌تواند راهکار مناسبی برای فراگیری مهارت‌های زندگی باشد و کودک دنیای مجازی در دنیای واقعی فردا شاید با مشکلات جدی روبه‌رو شود. غذا دادن به پو و حمام بردن او و ناز و نوازش کردن این موجود خیالی هیچ‌گاه نمی‌تواند به کودکان امروزی مهارت زندگی کردن را بیاموزد و او را برای دنیای فردا آماده کند. حال سؤال هشدار می‌دهد، مهم برای مسئولان و برنامه‌ریزان و برای پدر و مادرها این است که با این تفاسیل آسان‌باید فکری برای محدود کردن این بازی‌ها شود؟ آیا واقعاً تبدیل شدن موضوع غذا دادن به پو به نوستالژی کودکان دهه ۸۰ خطرناک نیست؟ واقعاً ما داریم کج‌جای می‌رویم؟

عکس نوشت



یاد بازی‌های پر نشاط و دل‌انگیز قدیم بخیر!...